

Me
BEFORE
You
Jojo
Meyer

من
پیش از
تو

جو جو مویز

سرشناسه: مویز، جو جو، Moyes, Jojo

عنوان: من پیش از تو
تکرار نام پدیدآورنده: نویسنده: جو جو مویز؛ مترجم: ملیحه وفايي.
مشخصات نشر: تهران، آکادمی کتاب، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري: ۵۱۶ص.

بهاء: ۳۵۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-8724-35-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

موضوع: رمان خارجی - انگلیسی

موضوع: رمان عاشقانه

شناسه افزوده: وفايي، ملیحه؛ مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶، ۶۸م۶۹۷/۳/۶۸BF

رده بندی دیویی: ۱۵۵/۲

شماره مدرک: ۴۳۵۸۷۱۶



از
پرفروش‌ترین
کتاب‌های
نیویورک تایمز

Telegram: akademiketab

- عنوان: من پیش از تو
- نویسنده: جو جو مویز
- مترجم: ملیحه وفايي
- ناشر: آکادمی کتاب
- صفحه آرا و طراح: رضا فهیمی
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
- چاپخانه: امسان
- قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۳-۳۵-۸۷۲۴-۶۰۰-۹۷۸

مرکز بخش:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

خیابان روانمهر، پلاک ۱۳۴

تلفن: ۰۹۳۹۱۵۳۳۴۱۰

فهرست مطالب

۷.....	درباره‌ی نویسنده
۱۳.....	درباره‌ی «من پیش از تو»
۱۷.....	فصل اول
۴۹.....	فصل دوم
۷۱.....	فصل سوم
۹۷.....	فصل چهارم
۱۲۳.....	فصل پنجم
۱۴۵.....	فصل ششم
۱۶۹.....	فصل هفتم
۱۸۹.....	فصل هشتم: کامیلا
۱۹۷.....	فصل نهم
۲۱۵.....	فصل دهم
۲۳۱.....	فصل یازدهم
۲۵۱.....	فصل دوازدهم
۲۶۷.....	فصل سیزدهم
۲۸۹.....	فصل چهاردهم
۳۰۹.....	فصل پانزدهم

۳۲۷.....	فصل شانزدهم
۳۴۱.....	فصل هفدهم
۳۶۷.....	فصل هیجدهم
۳۸۳.....	فصل نوزدهم: ناتان
۳۸۹.....	فصل بیستم
۴۰۹.....	فصل بیست و یکم: استفان
۴۱۷.....	فصل بیست و دوم
۴۳۵.....	فصل بیست و سوم
۴۵۹.....	فصل بیست و چهارم
۴۶۹.....	فصل بیست و پنجم: کارنا
۴۸۷.....	فصل بیست و ششم
۵۰۳.....	فصل بیست و هفتم
۵۰۷.....	بخش پایانی

درباره‌ی نویسنده

جو جو مویز به انگلیسی: (Jojo Moyes) در ۴ اوت ۱۹۶۹ در لندن، انگلستان متولد شد. روزنامه نگاری انگلیسی که از سال ۲۰۰۲ شروع به نوشتن رمان‌های عاشقانه کرده است. دو بار برنده‌ی جایزه رمان عاشقانه سال شده است.

«پائولین سارا ج. مویز» در رویال هالوویی و دانشکده نیوبدفورد دانشگاه لندن تحصیل کرد. در سال ۱۹۹۲ برنده کمک هزینه تحصیلی از روزنامه ایندی پندنت برای شرکت در دوره کارشناسی ارشد روزنامه نگاری در دانشگاه سیتی لندن شد. پس از آن به مدت ده سال (بجز یک سالی که در هنگ کنگ برای ساندی مورنینگ پست کار می کرد) در سمت‌های مختلف برای روزنامه ایندی پندنت کار کرد. در سال ۱۹۹۸ دستیار سردبیر اخبار شد و در سال ۲۰۰۲ مسئولیت بخش هنر و رسانه را به عهده گرفت.

مویز در سال ۲۰۰۲ به رمان نویسی تمام وقت تبدیل و اولین کتاب او با عنوان «باران پناه دهنده» منتشر شد. او همچنان برای روزنامه دیلی تلگراف مقاله نویسی می کند. یکی از معدود نویسندگانی است که تا کنون دو بار موفق به دریافت جایزه رمان عاشقانه سال از طرف انجمن نویسندگان رمان‌های عاشقانه شده است.

اولین بار در سال ۲۰۰۴ برای رمان «میوه خارجی» و دومین بار در سال ۲۰۱۱ برای «آخرین نامه معشوق» این جایزه را از آن خود کرد. همسرش چارلز آرتور خبرنگار است. سه فرزند ۱۶، ۱۳، ۹ ساله دارد و در مزرعه‌ای در کمبریج به همراه همسر و فرزندان زندگی می‌کند. او می‌گوید: «ایده اصلی کتاب‌ها، شنیده‌های من هستند و فکرهایی که ناگهان به ذهن من می‌رسند؛ درست مثل جرقه‌ای که ناگهان روشن می‌شود. من یک پسر معلول دارم. چیزی که زمانی به ذهنم رسید این بود که زندگی پسر من به خاطر ناتوانی‌اش نباید با مشکل مواجه شود. نویسنده باید بداند که در زندگی مردم چه می‌گذرد، به قول منم نویسنده باید کمی فضول باشد! باید از امور روزمره ایده بگیرد. من سال‌ها بزرگ‌شدم و ۳۰ سال آنجا زندگی کردم. از کودکی عاشق طبیعت مردم، پس از ده سال خبرنگاری به روستا رفتم. به نگهداری از حیوانات هم علاقه دارم.»

جوجو مویز نویسنده‌ای است که این روزها در ایران همزمان با سایر کشورهای دنیا بسیار محبوب و پرتیراژ شده است. از همان ابتدای کار به نوشتن رمان‌های عاشقانه روی می‌آورد. جوجو خاص او در به تصویر کشیدن لحظات احساسی از او نویسنده‌ای توانمند برای بیان حالات عاطفی و ایجاد همزاد پنداری مخاطب با اثر ساخته است. مویز خود را راوی زندگی زنان می‌داند. در مصاحبه‌ای بیان می‌کند: «دوست دارم درباره زن‌هایی بنویسم که به دنبال مردهای جذاب نیستند و بیشتر دغدغه‌شان خرید عطر و لباس‌های شیک نیست.

دوست ندارم درباره زن‌هایی بنویسم که به رشد و پیشرفت جامعه کمک نمی‌کنند. سعی می‌کنم درباره زنان جوانی بنویسم که مهربان، شجاع، و متکی به خود هستند و به چیزهای مادی و خوشی‌های لحظه‌ای علاقه ندارند.»

بیشتر شخصیت‌های اصلی رمان‌های او از جمله «من پیش از تو» را زنان تشکیل می‌دهند. او معتقد است که در اکثر نقاط دنیا، زنان هنوز به حق و حقوق خود نرسیده‌اند و هنوز هم نگاه ابرزاری و جنسیتی به زن در بسیاری از کشورها حکم فرماست. حتی به تبعیض در حق زنان در کشورهایی مثل انگلستان هم اشاره می‌کند و سعی کرده است که این مسئله را در رمان‌هایش به خوبی به تصویر بکشد.

به مزرعه‌ای در کمبریج نقل مکان کرده است تا دور از هیاهوی شهر به نویسندگی بپردازد. البته با کمی افسردگی به سراغش می‌آید و به همین علت یک دفتر کار هم در لندن دارد تا بتواند بیشتر با مردم در ارتباط باشد و از آنها و سرگذشت زندگی‌شان برای نوشتن داستان‌هایش الهام بگیرد. در واقع شخصیت «ویل» در رمان «من پیش از تو» الهام گرفته از فرزند ناتوان خود اوست. زندگی پررگسالی پسرش را در «ویل» به تصویر کشیده است.

مویز معتقد است که آدمی رمانتیک نیست؛ اما واقع‌گراست. شاید همین امر موجب شده تا نقاط فراز و فرود داستان‌هایش با داستان‌های دیگر کمی متفاوت باشد.

مویز فیلم‌نامه‌ی «من پیش از تو» را هم نوشته است. با حذف

حوادث فرعی بر روی موضوعات اصلی متمرکز می‌شود. بازیگران نقش «لوییزا» و «ویل» به خوبی از عهده اجرای نقش خود برآمده‌اند. او تا قبل از سال ۲۰۱۲ هفت رمان نوشت که با استقبال روبه رو نشدند، اما با انتشار «من پیش از تو» در ژانویه ۲۰۱۲ بلافاصله نام مویز در صدر جدول پرفروش‌ترین‌های انگلستان جا گرفت. مویز ادای آن را با عنوان «پس از تو» روانه‌ی بازار کتاب کرد. او راز موفقیتش را در این می‌داند که می‌توان با اضافه کردن کمی چاشنی طنز در میان موضوعات اجتماعی اثری نوشت که خوانندگان راحت‌تر بتوانند با اساقبت تلخ و ناگوار کنار بیایند. با تاکید بسیار می‌گوید که دلش می‌خواهد در آثارش این مسئله مهم را به گوش همه برساند: «مهربان باشید. همه آرام‌ها را در حال دست و پنجه نرم کردن با چیزی هستند که شما از آن خبر ندارید.» البته اصرار دارد قبل از اینکه بخواهد پیامی را منتقل کند، ترفندی به کار ببرد تا خوانندگان از خواندن رمان‌هایش لذت ببرند.

او در مصاحبه‌ای بیان کرده است که اگر در برنامه‌نگار و نویسنده نمی‌شد، دوست داشت یک روان‌درمانگر باشد چرا که همیشه به آنچه در ذهن انسان‌ها می‌گذرد، بسیار علاقه مند و کنجکاو بوده است.

مویز معتقد است که وقتی می‌خواهد داستانی را بنویسد باید از خودش بیرسد که آیا این کتاب به روند رشد زنان جوان کمک می‌کند یا نه و اینکه قرار است چه پیامی را انتقال دهد.

با به تصویر کشیدن شخصیت «ویل» در «من پیش از تو» قصد

دارد به مردم نشان دهد که ناتوانی مسئله‌ای بی‌اهمیت است، بلکه مهم شخصیت درونی خود آدم‌هاست.

طی مصاحبه‌ای از او پرسیدند: « شما به جمع نویسندگانی پیوستید که ده هزار یورو برای مدافعان سوری اهدا کردند، چه انگیزه‌ای باعث شد تا این کار را انجام دهید؟ »

مویز در پاسخ می‌گوید: « امری بدیهی بود. من معتقدم که آدمی هر آنچه برای خود می‌پسندد باید برای دیگران هم بیسندد. در آن زمان به این فکری کردم که اگر به کشور ما حمله کنند، من هم مجبور می‌شوم و مسلم را جمع کنم و دست بچه‌هایم را بگیرم و راهی سفری خطرناک شوم. تنها دلم خوشی من در آن شرایط ابراز محبت انسان‌های نوع دوست خواهد بود... »

جوجو مویز معتقد است که پیام اصلی « من پیش از تو » امید به زندگی است.

درباره ی «من پیش از تو»

این کتاب رمانی عاشقانه در سبکی متفاوت است. جو جو مویز معتقد است که توجه به «کیفیت زندگی» مهم‌ترین نکته برای نگارش این کتاب بوده است. پس از اینکه این رمان را خواندید، متوجه می‌شوید که چرا در ۲۰ کشور دنیا پرفروش است. یکی از منتقدان روزنامه نیویورک پس از خواندن «من پیش از تو» معرفی این کتاب را با این جمله آغاز می‌کند: «وقتی این رمان را به آخر خواندم، نمی‌خواستم نقد آن را بنویسم؛ بلکه دلم می‌خواست دوباره از اول بخوانم.» داستانی عاشقانه و خانوادگی است و از سوی دیگر روایتی از شجاعت و تلاشی مداوم برای بازگرداندن زندگی به مسیر درست می‌باشد.

لوییزا کلارک خیلی از چیزها را می‌داند. او می‌داند که فاصله‌ی بین ایستگاه اتوبوس تا خانه چند قدم است. می‌داند که از کار کردن در کافه با تردبان لذت می‌برد. می‌داند که فرانک از کار او راضی است. می‌داند که ممکن است عاشق دوست پسرش پاتریک نباشد.

چیزی که او نمی‌داند این است که قرار است کارش را از دست بدهد و بیکار شود. او نمی‌داند که در این شرایط می‌تواند باز هم عاقل بماند و مسیر درست را انتخاب کند.

ویل ترینور می‌داند که تصادف با موتور تمایل به ادامه‌ی زندگی را از

او گرفته است. او غمگین است و می‌داند که چطور می‌تواند به این زندگی عذاب آور خاتمه دهد، اما چیزی که ویل نمی‌داند این است که قرار است لوییزا با غوغایی از رنگ پا به عرصه زندگی بگذارد و هیچ یک از این دو نفر نمی‌دانند که قرار است دیگری را برای همیشه تغییر بدهند.

همه ما چیزی را که دوست داریم، در مقطعی از زندگی از دست خواهیم داد، اما جوجو مویز به روش تلخ و در عین حال طنزآلود خود به یادآوری می‌کند که این نیز بگذرد و اینکه خوشی و ناخوشی پایدار نیست. بابا کانه باید زندگی کرد. نباید ساکن ماند. باید رو به جلو حرکت کرد. فقط نباید خوب زندگی کرد.

لوییزا کلارک پس از شش ماه که با ویل ترینور زندگی می‌کند، نزد خانواده خود برمی‌گردد. سی‌سی می‌کند به زندگی بدون او ادامه بدهد. کاری از دستش برنمی‌آید چرا اینکه دوباره از صفر شروع کند. او می‌داند که برای شروع مجدد به انگیز و تلنگر نیاز دارد. برای لوییزا زندگی بعد از ویل به معنای دوباره عادی شدن با خطراتی است که به همراه دارد.

جوجو مویز می‌گوید: «برای نگارش این کتاب، هولد متعددی را امتحان کردم. به تمام اسکاتلند سفر کردم تا قلعه و شهری کوچک را پیدا کنم که با داستانم تناسب داشته باشد. مهم بود که لوییزا متولد و بزرگ شده‌ی یک شهر کوچک باشد. خود من هم در شهری کوچک متولد شدم و می‌دانم که بزرگ شدن در یک شهر کوچک چقدر می‌تواند آرامش بخش باشد و در عین حال به طرز باورنکردنی خفقان آور! قلعه را انتخاب کردم زیرا در برابر مردم عادی مثال خوبی از ثروت و

دارایی روزگاران گذشته است. در این داستان مجبور بودم اختلاف طبقاتی لوییزا و ویل را به وضوح نشان دهم. سعی کردم علاوه بر اندوه و ناامیدی، کمی هم طنز وارد فضای داستان کنم. من آدم احساساتی نیستم، اما معتقدم که عشق عنصری است که ما را وامی‌دارد تا به کارهایی خارق العاده دست بزنیم.»

فقط یک حادثه می‌تواند زندگی هر کسی را دچار تغییر و تحول عظیم کند، اما چه چیزی باعث می‌شود که بعد از آن باز هم به زندگی ادامه دهند؟ پس که بر اثر تصادف زمین گیر شده است فقط یک روزنه‌ی امید می‌تواند زندگی او را نجات دهد. این امید به شکل یک پرستار بر سر راه او قرار می‌گیرد. پرستار به او یاد می‌دهد که چگونه افکار منفی را از خود دور کند و دیگر به خودکشی فکر نکند. تلاش او با واکنش شدید و منفی ویل مواجه می‌شود. لوییزا در ۲۶ ساله از طبقه‌ی کارگر، پرستار مردی ۳۵ ساله باهوش، ثروتمند و عصبی به نام ویل ترینور می‌شود که بر اثر تصادف از ناحیه‌ی دست و پا فلج شده است. کامیلا مادر ویل از روی ناچاری لوییزا را استخدام می‌کند و آسوار است که او بتواند روحیه‌ی پسرش برای ادامه‌ی زندگی را تقویت کند.

«من پیش از تو» برگرفته از ماجرای در دنیای واقعی و عناصر روزمره‌ای که در این کتاب می‌خوانید در واقع نشأت گرفته از تجربیات شخصی نویسنده بوده است.

داستانی امیدبخش و در عین حال دردناک است. آسوشیتدپرس درباره این رمان نوشته است: «بعضی از کتاب‌ها را نمی‌شود زمین گذاشت. شخصیت‌ها و ماجرای آنها به قدری جذاب

است که مخاطب دوست ندارد داستان تمام شود. «من پیش از تو» نیز چنین کتابی است. گاهی می‌خندید و گاهی عصبانی می‌شوید و البته در بسیاری از صفحه‌ها اشک می‌ریزد. به نظر نویسنده، این کتاب باید به همراه یک بسته دستمال کاغذی فروخته شود.»

نیویورک تایمز نیز می‌نویسد: «نویسنده کتاب، خواننده را همان طوری که اشک می‌ریزد، به دنبال خود می‌کشاند. داستانی با دو شخصیت اصلی و قصه‌ای که در خاطره‌ها می‌ماند.»

وقتی ناخواسته به طرف یک زندگی کاملاً جدید رانده می‌شوی یا بهتر است بگویم به زور به زندگی فرد دیگری تحمیل و تماشایی لحظه لحظه‌ی زندگی او می‌شوی، کارت به جایی می‌رسد با خود فکر کنی که واقعاً چه کسی هستی.

«من پیش از تو» به تصمیم می‌کشد چگونگی تغییر دادن یک نفر را، درست وقتی که او از تغییر سر باز می‌زند و اینکه چگونه می‌توان او را با آن شرایط جدید سازگار کرد.

داستان درباره انتخاب‌هاست، درباره کیفیت زندگی است و اینکه چه کسی حق دارد تصمیم بگیرد که زندگی چگونه باشد. این کتاب به ما می‌آموزد که هیچ وقت برای زندگی کردن دیر نیست.

ملیحه وفایی

کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی

اسفند ۹۵